

باشاعران آمریکا



درونی پارکر

وقتی تورفتی شکوفه هاوبرگ ها هم رفتند و من تنها توانستم به نقطه ای خیره شوم و اندوهم را به شکل کلمات کوچک درآورم نمی توانم به عشق التماس کنم یا آرزو کنم که اندوه تلخ مرا در خود غرق کند همان اندوهی که ریسمان های مرا همچون قایق شکسته ای از هم جدای کند تنها قلم خسته من است که اندوه مرا روی کاغذ می ریزد در حالی که هسته آهسته قلبم را می خورد نه در تغییر و تبدیل سال ها، لطف و مرحمتی است و نه هیچ زیبایی در این جهان برای من! پس به کلمات کوچک بدل می شوم تا تو حروف نام را تلفظ کنی این تنها کاری است که از دست من برمی آید!

\*\*\*



لوتیز گلیک

توت فرنگی های سرخ را بر دخت کوهی می بینی و مهاجرت های پرندگان شب را در آسمان بازیگرم وقتی فکرمی کنم مرده ها آن ها را نخواهند دید دلم می گیرد این چیزهایی که ما به آن ها وابسته ایم این هایش از مرگ ناپیدمی می شوند؟ اگر این طور باشد روح آدمی برای تسلی خاطر چه خواهد کرد؟ شاید دیگر به این خوشی ها احتیاجی نخواهد داشت شاید همان نبودن، کافی باشد هر اندازه هم که تصورش دشوار است

\*\*\*



لنگستون هیوز

راستی راستی مکافاتیه اگه مسیح برگرده و پوستش مٹ ماسیاه باشه! خدای دونه تو ایالات متحده آمریکا چن تا کلیساهست که اون نتونه توشون نماز بخونه، چون سیاه ها هر چی هم که مقدس باشن ورودشون به اون کلیساها قذغه عوض مذهب نزاروه به حساب میارن حالا برو سعی کن اینویه جابه زبون بیاری هیچ بعید نیس بگیرن به چهار میخت بکشن عین خود عیسی مسیح!

\*\*\*



چارلز بوکوفسکی

هراس هایی که در کودکی سراسیمه ات می کرد همچنان باتوست در راه های مختلف با چهره های گوناگون تورا می خوانند با همان صدا، همان شکایت ها، همان نفرت ها همان خواسته های بی رحمانه اوضاع هیچ وقت خوب نبوده و قرار هم نیست بهتر شود

\*\*\*



والتر ویتمن

سفر دشوار ما به پایان رسیده ای ناخدا، ناخدا ای من! کشتی از پس همه صخره ها برآمده و اینک این پاداشی که در پی اش بودیم؛ لنگرگاه نزدیک است آوای زنگ ها را می شنوم جماعت هلهله می کنند و هیبت کشتی را نظاره می کنند... اما ای دل! ای دل من! ای قطره های سرخ خونی که فرو می چکید! جایی بر عرشه کشتی ناخدا ای من دراز کشیده سر دویی جان فرو افتاده است

واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان  
سفارش می پذیرد

۰۹۳۹۰۰۵۱۲۱ ☎ layout@khorasannews.com ✉

# محمد صالح علا؛ جریان ساز گزیده کار

**شاعر و ترانه سرای محبوب به تازگی ۷۰ ساله شد. در گفت وگو با مهدی موسوی میرکلایی، شاعر و از دوستان نزدیک صالح علا ویژگی های کم نظیر او را در ساحت ترانه سرایی بررسی کرده ایم**



موسیقی

به مناسبت ثبت جهانی «عود»

پدر عود نوازی ایران  
هیچ استادی نداشت!



نامش «اسکندر ابراهیمی زنجانی» بود ولی چون در آن زمان تصبباتی دربار موسیقی وجود داشت، برای این که مبادا بدسته ای به نام و نشان پدرش وارد شود، اسم مستعار «منصور نریمان» را برای خود برگزید. اگر چه نریمان پدر عودنوازی ایران لقب گرفت ولی تاپایان عمر از کم لطفی ها گله مند بود و می گفت: «تا وقتی که سالم هستی همه دورت جمع می شوند، اما همین که بیهیاض ضعیف می شوی همه کنارت می گذارند، مسئولان هم با من خدا حافظی کرده اند.» در روزهای پایانی آذر امسال «مهارت ساختن و نواختن عود» به طور مشترک به نام ایران و سوریه در یونسکو ثبت شد.

ایسنا به همین مناسبت در باره «منصور نریمان» نوشت: او علاوه بر نواختن عود و پیانو و تبحر در سازهای دیگر در هنرهای نقاشی و خوشنویسی هم دستی داشت. نریمان هیچ گاه استاد خاصی در زمینه عودنوازی نداشت. خودش در این باره گفته است: «در عود استادی نداشتیم، فقط از راه گوش دادن به رادیوی کشورهای همسایه، این ساز را آموختم و به محمد عبدالوهاب (خواننده و نوازنده بزرگ مصری) در رادیو قاهره نامه نوشتم و درباره کوک و بعضی مسائل این ساز از او سوال و مسائلی را مطرح کردم. پس از مدتی، عبدالوهاب در جواب نامه من نوشت که کوک عود همانی است که خود شما انجام داده اید و همه نظرات من را تأیید کرد.» نریمان در باره چگونگی دریافت لقب «پدر عود ایران» ماجری را تعریف می کرد که یک طریش به دلخوری او از زنده یاد فرامرز پایور (نوازنده شیرستور) بر می گشت. او همیشه در این خاطرات می گفت: «چند سال پیش یکی از بزرگ ترین نوازندگان عرب به نام «منیر بشیر» به ایران آمد و قرار بود در تالار وحدت برنامه ای در باره ساز عود برگزار شود. آن بر نامه به زبان فرانسوی اجرا می شد و نیاز به مترجم داشت. از این روز و زنده یاد فرامرز پایور، مترجم آن برنامه بود. وقتی منیر بشیر به زبان خودش در باره عود صحبت می کرد، شنیدم که کلمه نریمان را بر زبان آورد؛ اما پایور وقتی جملات او را ترجمه کرد، هیچ اسمی از من نیاورد و این باعث دلخوری شد.

حق به حق دار رسید

نریمان در ادامه این خاطره گفته بود: «البته بعدها در روزنامه های خراسان دیدم که نوشته بودند: «حق به حق دار رسید». در واقع منیر بشیر در آن جلسه گفته بود که ساز به امانت دست اعراب بوده است و حالا می خواهم عود را به صاحب اصلی آن یعنی منصور نریمان برسانیم. متأسفانه رابطه من و پایور آن زمان خوب نبود و با هم بگو مگو داشتیم اما تر جمه ای که پایور کرده من لطمه نمی دبلکه به موسیقی کشور لطمه می زد. خلاصه آن زمان در یکی از جشن هایی که وزیر ارشاد وقت برگزار می کرد، مراسم تجلیلی برگزار شد و آن جا گفته شد، واجب است که لقب «پدر عود ایران» را به منصور نریمان بدهیم. این لقب به من داده شد و من خیلی خوشحال شدم چرا که زحمت کشیدم و آن هایی که زحمت من را باید درک می کردند، فهمیدند و قدر زحمات من را می دانند.»

آموزش موسیقی با استفاده از لوله بخاری!

پدر نریمان در زمان کودکی، ستار کوچکی برایش ساخت و نحوه آموختن اولین چنین بود که هر قطعه ای را که از رادیو می شنید، همان موقع می نواخت. البته پدرش راه های عجیب اما جالبی را برای آموزش موسیقی به او در پیش گرفته بود تا حدی که دستگاه ابوعطار از طریق لوله بخاری به او آموزش داد. نریمان در بخشی از خاطراتش گفته است: «پدرم راه های عجیبی را پیدا کرد تا بتواند به من موسیقی یاد دهد. یادم می آید، ماه رمضان بود که پدرم پشت بام را چراغانی کرد و گفت: این کار برای تو انجام داده ام و باید در عوض به آن چه می گویم، گوش دهی. قرار شد، هر شب به پشت بام بروم آن جا «شب خوانی» کنم. مثلاً پدرم می گفت، امشب باید ابوعطار بخوانی اما من که نمی دانستم ابوعطار چیست؟ این گونه بود که پدرم در طبقه پایین از طریق لوله بخاری می خواند و من باید گوشم را به انتهای لوله می چسباندم و هر چه پدرم می گفت تکرار می کردم. سرانجام ردیف های موسیقی را که چیز ساده ای هم نیست، یاد گرفتم.» او از ابتدا همکاری با رادیو را آغاز کرد و بعد به هنرستان رفت و تصمیم گرفت موسیقی را به صورت علمی دنبال کند. استاد او در این مسیر مرحور... خالقی بود؛ او به صورت تلفنی آموزش هایی را به نریمان می داد و نریمان هیچ گاه موفق به دیدارش نشد. «پدر عود ایران» ۲۳ تیر ۹۴ دار فانی را وداع گفت و در قطعه هنرمندان آرام گرفت.

همین دلیل است که در زمان اجرای ترانه اش توسط خواننده ای که با او در باره یک کلمه تعویض آن اختلاف نظرهایی دارد، شخصاً در استودیوی آهنگ ساز، شاعر، نویسنده آمریکایی و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۶ است به گروه «بیلز» می گوید. باب دیلن معتقد است برای دگر دپسی در هنر باید هنرمند، خودش را روایت کند و این کاری است که محمد صالح علا سال ها است مهارت آن را انجام می دهد. او در یکی از مصاحبه هایش گفت: «من اهل مدارا هستم». اگر ما به ترانه های او هم نگاه کنیم، این مدارا و انعطاف را دارد. علاوه بر این یک تفکر مشخص اینی پشت ترانه های او ایستاده است. وی تصریح می کند: این شاعر برجسته آن چنان در استفاده کلمات برای همخوانی با شعر و ایجاد فضا سازی با دقت بالا عمل می کند که با تغییر کلمه، ساختار ترانه به هم می ریزد. بی تردید به

می افزاید: امروزه در هنر، کسی می تواند تشخیص سبکی بسازد که در اثرش حضور مداوم داشته باشد. نکته ای که باب دیلن که خود خواننده، آن سوی مرزها معرفی کنند اما این گونه نیست. افرادی مانند محمد صالح علا، محمد علی شیرازی و سعید دبیری را می توان از موثرترین ترانه سرایان در نوین سازی ترانه امروز دانست.

وی افزود: تفاوت صالح علا با تعداد زیادی از ترانه سرایان در این است که او در ترانه، خود را به تفکر عامه و خرد مردم به شدت نزدیک کرده است با این تفاوت که این شاعر، یک ترانه بومی تهرانی را خلق می کند. کاشی ترانه از همین جا که صالح علا پیگیری کرد و رگ های شخصیتی خودش را در آن ترانه ها دیدن بین می شد و مدرنیسم ترانه از این جا آغاز می شد. ترانه ای که صالح علا را دنبال کرده

دارای همین پشتوانه تاریخی است. به همین دلیل ترانه های او مسیرش را از شبیه شدن به شعر کلاسیک جدای می کند. کم کاری محمد صالح علا مهم ترین نقدی است که می توان به او وارد کرد. همین کم کاری باعث شد که فضای جریان سازی ترانه، به دست افراد دیگری بیفتد. اگر بخواهیم دلیل کم کاری های او را بیان کنیم، شاید به چند وجهی بودن هنر او در بازیگری، نویسندگی، مجری گری و روزنامه نگاری برسیم. به دلیل همین کم کار بودن است که این سبک از ترانه سرایی که آغازگر آن صالح علاست، دنبال ره و کمتری داشته است.

تأثیر گذاری در نوین سازی ترانه امروز

مهدی موسوی میرکلایی می گوید: از نخستین لحظاتی که ترانه در ایران حس کرد که خودش را باید با موسیقی پاپ همه را و هماهنگ کند،

حضور مدام در هنر و

تشخص سبکی  
این شاعر و ترانه سرا

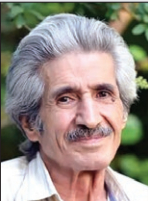
علی رهبری با «تخت جمشید» در سن پترزبورگ

علی رهبری با «هزار و یک شب» و «تخت جمشید» در سن پترزبورگ روی صحنه می رود. به گزارش ایسنا، علی رهبری – آهنگ ساز و رهبر ارکستر بین المللی ایرانی – بار دیگر برای دو برنامه مختلف به سن پترزبورگ می رود. کنسرت اول که در روز جمعه، سی ام دی برگزار می شود، دارای دو قسمت است؛ قسمت اول شامل کنسرتو ویولن به سبک شرقی آهنگ سازی شده «هزار



و یک شب» است. قسمت دوم این کنسرت نیز شامل سمفونی شماره ۴ چایکوفسکی است. کنسرت دوم نیز روز شنبه هشتم بهمن برگزار می شود و آن هم دارای دو بخش است: قسمت اول، تخت جمشید و قسمت دوم سمفونی مانفرد اثر چایکوفسکی است. در تیر گذشته علی رهبری به عنوان رهبر مهمان دایم ارکستر اپرای مارینسکی انتخاب شد.

محمد علی شیرازی، ترانه سرای پیش کسوت که سابقه همکاری با خوانندگان متعددی را در کارنامه خود داشت، در ۸۱ سالگی در گذشت. به گزارش ایرنا، عباس سجادی یکی از شاعران کشور، خبر فوت محمد علی شیرازی را تأیید کرد و گفت: شیرازی از حدود یک ماه گذشته دچار مشکلات حاد ریوی شده بود و روز جمعه ۲۵ آذر بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت.



درگذشت محمد علی شیرازی، ترانه سرای پیش کسوت

محمد علی حافظ الکتب معروف به محمد علی شیرازی، شاعر و ترانه سرا، متولد ۲۷ اسفند ۱۳۱۹ در شیراز بود. او ترانه سرایی را از اوایل دهه ۱۳۴۰ خورشیدی آغاز کرد. بر اساس سروده های او ترانه های مشهور بسیاری به جا مانده است. به گفته عباس سجادی، پس از انجام کارهای اداری، مراسم تشییع و خاک سپاری این شاعر و ترانه سرا ۲۷ آذر انجام می شود.

## اصل فراموش شده قصه گویی در شعر

## نگاهی گذرا به مجموعه شعر «پذیرفتن» اثر گروس عبدالملیکان



پای نوآوری را به شعر می کشاند.

باورپذیری در شعر

شاعر کتاب «حفره ها» با بهره گیری از تصاویر و فضا سازی های به موقع، شعرهایی می سراید که علاوه بر ایجاد رابطه ای صمیمی با مخاطب با دوری از تکلف و تصنع، این شعرها را به باورپذیرترین شکل ممکن تبدیل می کند.

ایجاد گره داستانی در شعر

در شعر امروز، خلأ روایت یا قصه گویی از جمله معایبی است که می توان به شعر بسیاری از شاعران وارد دانست. بسیاری از شاعران امروزی به بیان چند تصویر یا خرده روایت ها در شعرشان بسنده می کنند؛ اما عبدالملیکان با آگاهی از

و این که گاهی برای نوشتن یک شعر موفق باید ساده نویسی هایی را با هدف آماده سازی ذهن مخاطب برای گفتن حرف اصلی انجام داد. برخی از این پایان بندی ها عبارت اند از: «دیوانه است او / که دیروز تیر باران اش کرده اند / و هنوز به فرار فکر می کند»، «پلک هایش را پایین می کشد و مثل لاک پشتی / در جهان سنگی اش ناپدید می شود» و «اسی / که در پایش بر دشت / سطری است / که در دوردست شعر می شود».

کشف فضاهای جدید

یکی از ویژگی های دیگر شعرهای این شاعر جوان که در کتاب «پذیرفتن» نیز به چشم می خورد، کشف های تازه است. عبدالملیکان در این کتاب برای سرودن به سراغ قله های دوردست و نوشتن از آن ها نمی رود بلکه گاهی از عادی ترین موضوعات روز که در زندگی همه ما وجود دارد، سخن به میان می آورد و با ریزبینی های شاعرانه اش ارتباط بین اجزای مفاهیمی مشترک را بیان می کند. ارتباط هایی که مخاطبان شعرش شاید کمتر به آن پرداخته اند. او با این شیوه، علاوه بر کشف ها

**بهبودی نیا** – مجموعه شعر سپید «پذیرفتن» اثر گروس عبدالملیکان با ۳۸ شعر توسط نشر چشمه منتشر شده است. عبدالملیکان که متولد سال ۱۳۵۹ است، این روزها جزو چهره های شناخته شده شعر سپید کشور به شمار می آید و به دلیل ویژگی های شعری اش توانسته شعر خود را به گوش مخاطبان غیرفارسی زبان نیز برساند. به جز کتاب «پذیرفتن»، گروس عبدالملیکان کتاب های رنگ های رفته دنیا، حفره ها، هیچ چیز مثل مرگ تازه نیست، پر نده پنهان و سه گانه خاورمیانه (جنگ، عشق، تنهایی) را در کارنامه خود دارد. شعرهای گروس امروز در خارج از کشور خواننده های خاص خود را پیدا کرده و برخی از مجموعه شعر هایش به زبان های انگلیسی، عربی، ایتالیایی، آلمانی، کردی و فرانسوی نیز ترجمه شده است. در ادامه نگاهی گذرا به کتاب «پذیرفتن» او خواهیم داشت.

پایان بندی قدرتمند

ضر بهای پایانی قدرتمند در شعر را می توان به عنوان یکی از ویژگی های بارز شعر گروس عبدالملیکان دانست. در برخی از شعرها عبدالملیکان چند سطر ساده را می نویسد به طوری که خواننده در این سطرها در نگاه اول، نشانه چندان از شعریت نمی بیند اما با خواندن پایان بندی شعر دچار لذت فراوانی می شود به طوری که به خوانش دوباره و حتی چندباره شعر می پردازد. این موضوع اهمیت استفاده از پاره های درخشان در شعر را به ما یادآور می شود

